

اهداف جنگی اسرائیل و اصول تشکیل دولت موقت پسا-حماس در غزه

به قلم رابرت ستلوف (/fa/experts/rabrt-stlwf-0/), دنیس راس (/fa/experts/dnys-ras-0/), دیوید ماکوفسکی (/fa/experts/dywyd-0/makwfsky-0)

۳ نوامبر ۲۰۲۳

همچنین دست‌یافتنی به

(English (/policy-analysis/israels-war-aims-and-principles-post-hamas-administration-gaza) / العربية (/ar/policy-analysis/ahdaf-alhrb-alasraylyt-wmbady-aladart-fy-ghzt-fy-mrhl-ma-bd-hmas/))

درباره نویسنده



رابرت ستلوف (/fa/experts/rabrt-stlwf-0/)

رابرت ستلوف مدیر اجرایی انستیتو واشنگتن است. ستلوف کارشناس سیاست عربی و اسلامی است و در زمینه روند صلح اعراب و اسرائیل، چالش اسلام سیاسی و ضرورت اصلاح دیپلماسی عمومی ایالات متحده در خاورمیانه مطالب زیادی منتشر کرده است.



دنیس راس (/fa/experts/dnys-ras-0/)

سفیر دنیس راس، دستیار ویژه پیشین پرزیدنت باراک اوباما، مشاور انستیتو و هموند برجسته ویلیام دیویدسون در انستیتو واشنگتن است.



دیوید ماکوفسکی (/fa/experts/dywyd-makwfsky-0/)

تحلیل کوتاه

برای فکر کردن به «فردا»ی پس از جنگ اصلا زود نیست و چه بسا برنامه‌ریزی اولیه برای ساختن یک دولت موقت به روشن شدن اهداف رهبران اسرائیل حفظ حمایت آمریکا ارائه جایگزین مثبت‌تری برای آینده فلسطینی‌ها و ارائه منطقی به متحدان عرب برای ایفای نقش سازنده‌تر کمک خواهد کرد.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در تشریح اهداف جنگ کشورش علیه سازمانی که مرتکب بدترین کشتار جمعی یهودیان از زمان هولوکاست شد اعلام کرد: «عما حماس را درهم شکسته و نابود خواهیم کرد.» با این حال معنی دقیق این حرف در عمل مشخص نیست.

صداهای شاخص اسرائیل - وزیران مقامات و ژنرال‌های گذشته و حال - طیف وسیعی از اهداف بالقوه را ارائه کرده‌اند از خلع سلاح حماس و از بین بردن قابلیت آن برای حمله مشابه مجدد تا بازپس‌گیری نوار غزه آن هم نزدیک به دو دهه پس از واگذاری آن به کنترل فلسطینی‌ها. برخی از مقام‌های اسرائیلی (از جمله گیلا گاملئیل وزیر اطلاعات) گفته‌اند که فعلا برای تعریف اهداف خیلی زود است و

امری است که باید پس از پیروزی در میدان نبرد انجام شود. اما به سختی می‌توان دید که اسرائیل بدون داشتن تعریف قبلی از پیروزی و آماده شدن برای پس از آن از کجا خواهد دانست که پیروز شده است.

درست است که نتیجه جنگ برای اسرائیل ممکن است به ناچار کمتر از مطلوب باشد چون جنگ با امور غیرمنتظره همراه است و مصداقی است از این سخن که هر نقشه جنگی در تماس با دشمن دچار تغییر می‌شود. با وجود این عاقلانه است که اکنون نتیجه را تعریف کنیم و برنامه‌ریزی برای آن را شروع کنیم حتی اگر شرایط در طول مسیر تغییراتی را ایجاد کند. داشتن یک هدف روشن و عملی انتقادهایی را که می‌گوید تنها نیت اسرائیل تلافی حمله وحشیانه حماس است کمزنگ می‌کند. داشتن هدف همچنین پرچمی را فراهم می‌آورد که متحدان اسرائیل می‌توانند حول آن از مقصود نبرد دفاع کنند و چتری خواهد بود که کشورهای آسیب‌پذیر عرب برای مشارکت در صلح می‌توانند منتظر پایان جنگ بمانند.

اصول کلی

منطقی‌ترین هدف اسرائیل پایان دادن به تسلط حماس بر غزه است زیرا تنها این نتیجه است که نمی‌گذارد رهبران گروه از زیر آوار جنگ برخیزند و صرفاً با تکیه بر زنده ماندن از ضربه قدرتمند اسرائیل ادعای پیروزی کنند. تعیین هدف‌های دیگر بعید است که سه نیاز حیاتی اورشلیم را برآورده سازد:

۱- تضمین این که حماس نتواند در آینده دست به حمله بزند.

۲- احیای اعتماد اسرائیلی‌ها به این که دولت و ارتش می‌توانند امنیت‌شان را تامین کنند.

۳- استقرار مجدد قدرت بازدارندگی اسرائیل در چشم دوستان و دشمنان آن کشور در سراسر خاورمیانه.

پایان دادن به حاکمیت حماس به معنای از بین بردن تمامی هواداران حماس یا کلیه نشانه‌های نفوذ این گروه نیست. اما هدفی بزرگ است به‌ویژه با توجه به دو امر پیچیده و هولناک در واقعیت‌های صحنه: اسارت تقریباً ۲۰۰۰ گروگان در دست حماس و سایر گروه‌ها و تلاش عظیمی که پایان دادن به حکومت حماس می‌طلبد چون در مدتی طولانی در سراسر غزه نیروی نظامی باید هم در سطح زمین هم در سامانه تونل‌های زیرزمینی عمل کند که حماس سخت به آن می‌نازد و مجهز به تله‌های انفجاری است.

در جنگی که هدفش چنین تعریف شده باشد پیروزی سریع یا آسان نخواهد بود. نقش آمریکا سه‌گانه خواهد بود:

۱- کمک به اسرائیل در دستیابی به هدف با کمترین هزینه ممکن در آسیب رساندن به غیرنظامیان فلسطینی.

۲- بازدارندگی در مقابل سایر دشمنان اسرائیل تا اسرائیل بتواند بر دستیابی به موفقیت در سریع‌ترین زمان ممکن تمرکز کند.

۳- کمک به اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در شروع برنامه‌ریزی برای پر کردن خالیگاه حکمرانی که از پایان دادن به حاکمیت حماس ایجاد خواهد شد تا به این ترتیب بازیگران بی‌ثبات‌کننده جای خالی را پر نکنند.

با توجه به این نیازها و اهداف اصول کلی زیر باید بر برنامه‌ریزی برای وضعیت پس از جنگ حاکم باشد:

از دیدگاه ایالات متحده اسرائیل باید به محض اتمام عملیات نظامی غزه را ترک کند و از اشغال مجدد منطقه خودداری کند. در عین حال اشتباه خواهد بود اگر اسرائیل حماس را نابود کند و غزه را بدون حکومت رها کند و درک روشنی از این که بعد چه خواهد شد نداشته باشد. با کمک سایر بازیگران و اشنگتن نقشی یگانه در تدوین طرحی دارد که هنگام خروج ارتش اسرائیل از نوار غزه به مورد اجرا گذاشته شود به گونه‌ای که اسرائیل بداند پس از خروجش از نوار غزه خالیگاه قدرت چگونه پر خواهد شد.

هدف نهایی باید بازگشت تشکیلات خودگردان فلسطینی به عنوان دولت قانونی غزه باشد با این حال تشکیلات خودگردان فاقد تمایل و توانایی انجام این کار در آینده قابل پیش‌بینی است. تشکیلات خودگردان نمی‌خواهد بازگشت دوباره‌اش به پشتیبانی تانک‌های اسرائیلی دیده شود و با توجه به شکست‌هایش در کرانه باختری به هیچ وجه قادر به پذیرش مسئولیت‌های مضاعف دولتی در غزه نیست.

پس این وضعیت مستلزم ایجاد یک دولت موقت اداره غزه تا زمانی است که تشکیلات خودگردان قادر به پذیرش این نقش باشد. طول مدت دوره گذار بستگی به اصلاحات معنادار و اساسی تشکیلات خودگردان فلسطینی دارد. اصلاحاتی که بدون آن نه فلسطینی‌های محلی به گسترش اختیارات تشکیلات خودگردان تا غزه اطمینان می‌کنند و نه حامیان بین‌المللی تامین‌کننده مالی در عین حال چنان اصلاحاتی مشروعیت تشکیلات خودگردان در کرانه باختری را نیز به شدت تقویت خواهد کرد.

تاروپود دولت موقت

دولت موقت پیشنهادی غزه باید دارای سه مولفه اصلی باشد: (۱) دولت غیرنظامی (۲) دارای دستگاه امنیت عمومی/انتظامی که در آن نمایندگان دول عربی نقش مرکزی را ایفا کنند و (۳) با حمایت یک ائتلاف بین‌المللی برای بازسازی و توسعه.

دولت غیرنظامی پسا-حماس غزه را باید فلسطینی‌ها رهبری و اداره کنند. تحت رهبری یک «مدیر ارشد» فلسطینی دولت محلی کارآمد را باید مجموعه‌ای متشکل از تکنوکرات‌های غزه کرانه باختری فلسطینی‌های مقیم خارج و همچنین شخصیت‌های محلی شناخته‌شده در شهرها و قبایل نوار غزه اداره کنند. شامل سازمان‌های بهداشت آموزش حمل‌ونقل دادگستری رفاه اجتماعی و غیر آنها. در دوران متلاطم گذار ژانس امدادسانی و کاریابی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک (UNRWA) می‌تواند در حد سابق - نه کم و نه بیش - به کار خدمات خوراکی بهداشتی و آموزشی ادامه دهد. وضعیت بلندمدت این نهاد می‌تواند در چارچوب بازگشت نهایی تشکیلات خودگردان به منطقه نوار غزه مورد بازنگری قرار گیرد.

تامین امنیت عمومی و اجرای قانون می‌تواند به کنسرسیومی متشکل از پنج کشور عربی سپرده شود که با اسرائیل به توافق صلح رسیده‌اند - مصر اردن امارات متحده عربی بحرین و مراکش. برای موفقیت این بخش اعتماد اسرائیل حیاتی است و فقط این کشورهای عرب هستند که اعتماد اسرائیل را خواهند داشت. باید توجه و دقت ویژه شود تا این کنسرسیوم به هیچ وجه «نیروی اشغالگر»ی تلقی نشود که هم کشورهای مشارکت‌کننده و هم فلسطینیان محلی آن را رد کنند بلکه این کنسرسیوم باید به عنوان «نیروی امنیت عمومی» ارائه و طراحی شود. برای این منظور کشورهای مشارکت‌کننده باید نیروهای پلیس یا ژاندارمری اعزام کنند نه واحدهای نظامی معمول. علاوه بر آن این نیرو باید تحت فرماندهی افسری از کشوری مثل مراکش باشد که فاقد هرگونه ارتباط سرزمینی با مناطق فلسطینی است. سپس می‌توان دفاتر هماهنگی با نظامیان اسرائیلی و مصری را برقرار ساخت و مصر به عنوان همسایه عرب غزه نقشی ویژه در انعکاس وضعیت منحصر به فرد قاهره خواهد داشت. این دفاتر زمینه همکاری درباره مسائل مرزی و ورود و خروج مردم و کالاها را فراهم می‌کنند.

حامیان مالی بین‌المللی سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های امدادگر و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی زیر چتر سازمان جدیدی همکاری خواهند کرد که همراه با دولت غیرنظامی غزه مسئول تعمیر بازسازی و توسعه است. این بخش باید تلاشی از سوی اعراب و شاید تحت ریاست امارات متحده عربی باشد که شریک صلح با اسرائیل است و با داشتن منابع مالی می‌تواند حامی بزرگی باشد و برای اداره چنین عملیاتی دارای آبروی جهانی و شم حرفه‌ای است. این سازمان بر تعمیر و بازسازی فوری تاسیسات و سایر پروژه‌های عمومی و همچنین شناسایی پروژه‌های عمده تامین بودجه برای آنها و اجرای پروژه‌های عمده توسعه نظارت خواهد داشت. پروژه‌هایی چون احداث بندر جدید غزه و ساختن مناطق صنعتی جدید برای ایجاد فرصت‌های شغلی مورد نیاز به میلیاردها دلار بودجه نیاز دارند. (بعید است که اسرائیل به این زودی کارگران غزه‌ای را که برخی‌شان در حمله ۷ اکتبر حماس چه مستقیم و چه غیرمستقیم از طریق خبرچینی برای ارائه اطلاعات به مهاجمان نقش بازی کردند مجدداً در خاک خود بپذیرد.) مشارکت عربستان سعودی در کار تعمیر و بازسازی نیز برای

موفقیت کلی طرح مهم خواهد بود و می‌توان آن را به عنوان بخشی از تعهد ریاض به بازگشایی مسیر صلح اسرائیل و فلسطینی‌ها چارچوب‌بندی کرد.

اگرچه مدیران افسران و مقامات عرب- از جمله فلسطینی‌ها- باید رهبری تمام این تلاش‌ها را بر عهده بگیرند اما ایالات متحده و سایر حامیان آینده‌ای که سازنده صلح‌آمیز و امیدبخش برای فلسطینی‌ها باشد نیز در آن نقش حیاتی خواهند داشت. بازیگران بسیار- از شرکای اروپایی گرفته تا آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد- بر سر میز خواهند بود اما فقط آمریکا است که می‌تواند این تلاش را بسیج و سازماندهی کند و اطمینان یابد که همه عناصر آن اجرا می‌شود. بخشی از نقش ایالات متحده مالی است بخشی تامین متخصص برای فرآیندهای مدیریت و بازسازی است بخشی دیگر تضمین روابط هموار بین اسرائیل و سه بازوی دولت موقت غزه است و بخشی نیز تامین مشروعیت بین‌المللی برای تمامیت این تلاش است.

از نظر مشروعیت بهترین گزینه یک دستورکار شورای امنیت سازمان ملل برای این طرح است هرچند روسیه و چین احتمالا قصد دارند چنین تلاش‌هایی را به دشواری بیندازند. شورای امنیت همچنین می‌تواند اتحادیه عرب را توانمند کند تا به این طرح به عنوان یک بازیگر میانجی اقتدار بخشد اما در آنجا نیز بازیگرانی مانند سوریه لبنان الجزایر و تونس ممکن است مانع شوند. راه جایگزین آن است که این تلاش دستورکار هماهنگ‌کننده ویژه سازمان ملل متحد برای روند صلح خاورمیانه تعریف شود که در این صورت احتمالا نیازی به اقدام دیگری از طریق شورای امنیت نخواهد داشت.

با تمام این‌ها در نهایت ممکن است لازم باشد که دولت موقت غزه در قالب ائتلافی از طرف‌های علاقه‌مند تشکیل شود. اگر ابتکار تشکیل دولت موقت از حمایت قوی بازیگران اصلی بین‌المللی و پشتیبانی بانفوذترین کشورهای عرب برخوردار باشد شانس معقولی برای حرکت به جلو خواهد داشت.

در مجموع هماهنگی مداوم میان دولت موقت غزه و اسرائیل یک مسئله ضروری و در عین حال حساس خواهد بود. در دنیایی که حماس دیگر یک نیروی سیاسی یا نظامی در غزه نباشد اسرائیل باید مایل باشد که اجازه دهد بندر دریایی و مرز زمینی مصر با سامانه بازرسی سرزده اما به مراتب سهل‌گیرانه‌تر بر جابه‌جایی کالا و خدمات نظارت کنند. به هر صورت حصری که اسرائیل طی سال‌ها و به درجات مختلف اعمال کرد مانع از آن نشد که حماس به آنچه برای انجام حمله ۷ اکتبر نیاز داشت دست یابد. برعکس این اقدام موجب شکل گرفتن یک اراده مسموم و گسترده در عموم شد و به رشد فساد فرصت داد. با این حال اسرائیل دست‌کم در اوایل دوران گذار نقشی حیاتی بازی می‌کند و می‌تواند با ارائه برق سوخت و نقل و انتقال کالا کمک کار باشد. گرچه در نظر خواهد داشت که در درازمدت غزه خودش این امور را تامین کند.

هماهنگی نزدیک اسرائیل با بخش‌های حکمرانی غیرنظامی امنیت عمومی و بازسازی دولت موقت غزه ضروری است تا اسرائیل اطمینان یابد که سیستم جدید به ظهور مجدد حماس یا رشد یک جنبش بالقوه حتی تندروتر اجازه نخواهد داد. همزمان با توجه به این که ارتش اسرائیل تقریبا در هر گوشه نوار غزه برای ریشه‌کن کردن حماس عملیات کرده است لازم خواهد بود که حضور خود را تا جای ممکن حفظ کند.

«دولت غیرنظامی غزه» باید با تشکیلات خودگردان فلسطینی ارتباط سازمانی داشته باشد هر چند که در چارچوب توصیف شده بالا به صورت مستقل عمل می‌کند. دستورکار اولیه دولت غیرنظامی غزه ممکن است به مدت زمان معینی محدود شود- مثلا سه سال- و پس از این دوره می‌تواند دستورکارش تمدید شود و مستقیما به روند اصلاحات تشکیلات خودگردان پیوند بخورد. در اینجا دو اصل متضاد هست: این که «هیچ چیزی به اندازه موقت بودن دائمی نیست» و دیگر این که «بهتر آن است که کار درست انجام شود تا این که صرفا رفع تکلیف شود». ایالات متحده آمریکا و دیگر بازیگران اصلی مسئول یافتن تعادل مناسب در این زمینه خواهند بود.

این اصول لایتغیر نیستند. بیشتر باید به آنها به چشم نقطه عزیمتی برای بحث‌های جدی درباره حکومت در غزه پسا-حماس نگاه کرد و ایده‌هایی که قریب به یقین با نظرات دیگر بازیگران بین‌المللی و خاورمیانه‌ای و تحت تاثیر رویدادهای میدانی به جهات مختلفی سوق داده خواهند داد. با توجه به آمادگی اسرائیل برای آغاز عملیات زمینی در غزه برخی ممکن است بر این باور باشند که تمرکز بر معماری پس از جنگ زود است. اما اکنون دقیقاً زمان مناسب برای شروع این تمرین است تا پس از انتقال عملیات نظامی به نتایج سیاسی یک طرح ورزبافته و سنجیده آماده باشد. اگر بازیگران عمده برای پرداختن به این مسائل تا فرونشستن غبار میدان نبرد منتظر بمانند ممکن است خیلی دیر شده باشد.

رابرت ستلوف مدیر اجرایی سیگال در انستیتو واشنگتن است. دنیس راس مشاور انستیتو و هموند ممتاز ویلیام دیویدسون است و پیش از این نماینده ایالات متحده در روند صلح اسرائیل و فلسطین بوده است. دیوید ماکوفسکی هموند ممتاز زیگلر و مدیر پروژه کورت انستیتو واشنگتن در مورد روابط اعراب و اسرائیل است و پیش از این به عنوان مشاور ارشد فرستاده ویژه وزارت خارجه آمریکا در مذاکرات اسرائیل و فلسطینی‌ها خدمت کرده است.



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

What Did Nasrallah Really Say, and Why?

نوامبر ۲۰۲۳

Hanin Ghaddar

(/policy-analysis/what-did-nasrallah-really-say-and-why)



BRIEF ANALYSIS

Assessing the Reported Pantsir Delivery to Hezbollah

نوامبر ۲۰۲۳

Andrew J. Tabler ,
Anna Borshchevskaya

(/policy-analysis/assessing-reported-pantsir-delivery-hezbollah)



BRIEF ANALYSIS

A Meaningful Endgame in Gaza Will Separate Transformation from Revenge

نوامبر ۲۰۲۳

♦
Ahmed Fouad Alkhatib

(/policy-analysis/meaningful-endgame-gaza-will-separate-transformation-revenge)

TOPICS

(fa/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/) نظامی و امنیتی

(fa/policy-analysis/rwabt-rb-w-asrayyl/) روابط عرب و اسرائیل

(fa/policy-analysis/fraynd-slh/) فرایند صلح

REGIONS & COUNTRIES

(fa/policy-analysis/asrayyl/) اسرائیل

(fa/policy-analysis/kshwrhay-hashykhlyj-fars/) کشورهای حاشیه خلیج فارس

(fa/policy-analysis/flstynyha/) فلسطینی‌ها